



سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۵

وطن امروز ۴۷۳۲

صفحه آخر

امام حسن مجتبی (ع)

نه پاکدامنی، روزی را از انسان دور می‌کند و نه حرص، روزی زیاد می‌آورد. چون روزی قسمت شده است و حرص زدن باعث مبتلا شدن به گناهان می‌شود.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سرمدیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۴ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پيام‌رسان: @vatanemrooz پست الکترونیکی: info@vatanemrooz.ir
چاپ: ایران کهن

عقب‌نشینی حقاتر بار کاخ سفید؛ خفگی پالایشگاه‌های آمریکا ترامپ را برای تأمین سوخت دست به دامن مسکو کرد

گدای گازوئیلی



گروه اقتصادی: در دنیای پرهیاهوی سیاست، سیاستمداران می‌توانند ساعت‌ها پشت تریبون‌ها بایستند و از آرامش بازارها سخن بگویند اما در اقتصاد پیچیده و پنهان انرژی، یک عدد ساده، از هزاران ساعت سخنرانی پرطمطراق گویاتر است. اقتصاددانان می‌دانند مخازنی که برای روز مبادا ساخته شده‌اند، درست زمانی اهمیت واقعی خود را نشان می‌دهند که آن روز مبادا بی‌سروصدا از راه رسیده باشد. ذخایر راهبردی نفت آمریکا که قرار بود پشتوانه‌ای نفوذناپذیر برای عبور از توفان‌های انرژی باشد، اکنون به آیینة تمام‌نمای فشارهای بی‌سابقه بر سیاست انرژی واشنگتن تبدیل شده است.

کاهش پله‌پله این ذخایر و رسیدن آن به محدوده ۲۸۰ میلیون بشکه، پرسشی اساسی را پیش روی دولت دونالد ترامپ می‌گذارد: اگر آنگونه که مقامات کاخ سفید ادعا می‌کنند اوضاع بازار نفت کاملاً عادی است و جریان انرژی از خاورمیانه با هیچ سد و مانع تعیین‌کننده‌ای روبه‌رو نیست، چرا بزرگ‌ترین اقتصاد جهان ناچار شده با چنین شتابی از اندوختن‌ای برداشت کند که برای سیاه‌ترین روزهای بحران کنار گذاشته بود؟

پاسخ به این پرسش، پرده از یک واقعیت بزرگ برمی‌دارد: شعارهای سیاسی نمی‌تواند جای خالی نفت را در پالایشگاه‌ها پر کند.

وقتی یک تاجر ثروتمند در میانه ادعای رونق کسب‌وکارش، پنهانی شروع به فروش جواهرات خانوادگی و پس‌اندازهای اضطراری خود می‌کند، بازار پیام ضعف او را دریافت خواهد کرد. حکایت امروز ذخایر راهبردی آمریکای نیز بی‌شباهت به این تمثیل نیست. کشوری که سعی دارد با لفاظی‌های سیاسی، تنگه هرمز و آبراه‌های حیاتی را امن و باز جلوه دهد، در عمل در حال سوزاندن سپری است که بازسازی آن سال‌ها زمان و میلیاردها دلار هزینه در بر خواهد داشت.

■ **راز غارهای لوئیزيانا**

برای درک عمق این ماجرا باید به تاریخ شکل‌گیری ذخایر راهبردی آمریکا نگاهی بیندازیم. پس از شوک نفتی سال ۱۹۷۳ و محدودیت صادرات نفت کشورهای عربی، واشنگتن با گوشت و پوست خود لمس کرد که وابستگی به جریان پیوسته نفت می‌تواند به پاشنه آشیل اقتصاد و امنیت ملی‌اش تبدیل شود. راهکار آمریکا برای فرار از این کابوس، ایجاد یک انبار غول‌پیکر از نفت خام در غارهای نمکی زیرزمینی ایالت‌های تگزاس و لوئیزیانا بود. این غارها قرار بود گاوئودوقی برای روزهای فحطی، جنگ‌های ویرانگر یا بسته شدن مسیرهای انتقال انرژی باشند.

این ذخایر در دهه‌های گذشته ابزار اصلی واشنگتن برای مدیریت روانی و واقعی بازار بودند. دولت آمریکا می‌توانست با تزریق قطره‌چکانی این نفت به بازار، تب قیمت‌ها را پایین بیاورد اما این ابزار جادویی یک نقطه ضعف بزرگ دارد: نفت ذخیره‌شده تمام می‌شود و پر کردن دوباره این غارهای نمکی نیازمند زمان و آرامش در بازار است. هرچه بحران طولانی‌تر شود و شیر این مخازن بیشتر باز بماند، توان دولت برای مقابله با موج‌های بعدی کمتر خواهد شد.

هرچند کاهش موجودی این غارها به خودی خود نشانه فروپاشی اقتصاد آمریکا نیست اما این روند ثابت می‌کند حاشیه امنیت واشنگتن در برابر اختلال‌های طولانی‌مدت به‌شدت آب رفته است. تفاوت میان این دو نگاه بسیار ظریف و در عین حال حیاتی است. یک تحلیلگر واقع‌نگر هرگز ادعای نابودی قریب‌الوقوع حریف را مطرح نمی‌کند اما فرسایش و کند شدن شمشیر اقتصادی رقیب را نیز نادیده نمی‌گیرد. آمریکا امروز برای تأمین نیازهای روزمره‌اش، در حال پیش‌خور کردن امنیت فردای خود است.

■ **اعداد هشداردهنده بازار**

ارقام منتشرشده در گزارش‌های اخیر، چراغ هشدار جدی برای سیاست‌گذاران آمریکایی است. ذخایر راهبردی این کشور در اواخر دهه اول مهر به حدود ۲۸۴ میلیون بشکه رسیده بود و با تصمیم برای آزادسازی ۴ میلیون بشکه دیگر، این رقم به مرز ۲۸۰ میلیون بشکه سقوط می‌کند. برای فهم بزرگی این افت، کافی است بدانیم این پایین‌ترین سطح موجودی از سال ۱۹۸۲ میلادی است؛ یعنی دورانی که این

ذخایر هنوز در سال‌های ابتدایی تکمیل خود قرار داشت.

پیش‌تر در اوایل جنگ نیز آمریکا در یک هماهنگی با ژانسی بین‌المللی انرژی، تعهد داده بود ۱۷۲ میلیون بشکه از ذخایر خود را روانه بازار کند. آمارهای مبنا نشان می‌دهد تا امروز بیش از ۱۳۳ میلیون بشکه از این میزان مصرف شده است. اگر محموله ۴۰ میلیون بشکه‌ای باقیمانده نیز به طور کامل عرضه شود، موجودی ذخایر آمریکا می‌تواند تا محدوده خطرناک ۲۴۵ میلیون بشکه پایین بیاید. سقوط به زیر خط قرمز ۲۵۰

میلیون بشکه، از نظر عملیاتی و روانی برای سیاست‌گذاران آمریکایی یک وضعیت بحرانی و بی‌سابقه محسوب می‌شود. هرچند باید میان رقم‌های روی کاغذ و نفت واقعی تفاوت قائل شد اما جهت حرکت عقب‌ریها کاملاً مشخص است. ذخایر راهبردی چشمه جوشان نفت نیست، فقط ابزاری برای خریدن زمان محسوب می‌شود. اگر قرار باشد بحران انرژی طولانی و برداشت از غارهای نمکی تبدیل عادت ماهانه شود، این زمان خریده شده به‌سرعت به پایان می‌رسد. عبور از مرز ۲۵۰ میلیون بشکه، نشانه‌ای آشکار از فشار خردکننده‌ای است که واشنگتن تلاش می‌کند آن را زیر لبخندهای دیپلماتیک پنهان کند.

■ **انبارهای تهی جهان**

فشار بر ذخایر آمریکا تنها یک تکه از این پازل بزرگ است. بازار جهانی نفت مانند یک شبکه عصبی در هم تنیده است که درد در یک نقطه، به‌سرعت تمام بدن را درگیر می‌کند. اختلال در یکی از شریان‌های اصلی این شبکه موجی از کمبودها را در بنادر و پالایشگاه‌های دوردست رقم می‌زند. «امین ناصر» مدیرعامل شرکت نفتی آرامکو با اشاره به همین واقعیت، پرده از وضعیتی برداشته که نشان می‌دهد کل بازار جهانی در حال مصرف کردن پس‌اندازهای خود است.

بر اساس آمارهای ارائه شده، ذخایر تجاری جهان در آغاز بحران حدود ۱۰ میلیارد بشکه بود که رفته رفته مورد استفاده قرار گرفت و با سرعت گرفتن استفاده از ذخایر طی هفته‌های اخیر؛ یعنی برداشت بیش از یک میلیارد بشکه در این بازه زمانی، این رقم به کمتر از ۶ میلیارد بشکه تنزل

یافته است. بخش نگران‌کننده‌تر ماجرا برای غربی‌ها این است که تمام این موجودی روی کاغذ، در دنیای واقعی قابل استفاده نیست. بخش بزرگی از این نفت در مسیرهای طولانی دریایی است، بخشی درگیر قراردادهای پیچیده است و عرضه ۱۰۰ میلیون بشکه جدید به بازار با موانع فنی و لجستیکی سختی روبه‌رو شده است.

مدیرعامل آرامکو هشدار داده حتی اگر همین فردا جریان عبور و مرور از تنگه هرمز به حالت عادی بازگردد، ترمیم ذخایر جهانی دست کم ۲ سال زمان خواهد برد. ذخیره نفت دقیقاً مانند انبار گندم در سال خشکسالی است. باز کردن در انبار، گرسنگی امروز را رفع می‌کند اما هر کیسه‌ای که خارج می‌شود، قدرت مقاومت روستا را در برابر فحطی ماه بعد کاهش می‌دهد. بازگشت مسیرهای دریایی به شرایط عادی، هرگز به معنای پر شدن فوری این انبارها نخواهد بود.

■ **توهم آبراهه‌های باز**

یکی از خطاهای محاسباتی بزرگ در تحلیل مسائل تنگه هرمز این است که موضوع را به یک پرسش حقوقی تقلیل دهیم: آیا تنگه رسماً بسته اعلام شده است؟

در جهان تجارت، امنیت یک مسیر روی نقشه‌های جغرافیایی تعیین نمی‌شود، یک مسیر زمانی باز است که ناخدای کشتی حاضر به سفر باشد، شرکت بیمه خطر آن را بپذیرد و هزینه نهایی برای خریدار صرفه اقتصادی داشته باشد. اگر مسیر روی نقشه باز باشد اما کسی جرأت یا توان مالی عبور از آن را نداشته باشد، آن آبراه در عمل مسدود است. گزارش‌های مستند از فایننشال تایمز تصویر روشنی از این انسداد اقتصادی ارائه می‌دهد. کرایه نفتکش‌ها برای عبور از تنگه هرمز به رقم حیرت‌انگیز ۱،۳ میلیون دلار در روز جهش کرده است، در حالی که این رقم در سال گذشته تنها بین ۲۰ تا ۵۰ هزار دلار بود. یک سفر ساده شامل ورود، بارگیری و خروج، حدود ۴ روز طول می‌کشد و این یعنی تنها هزینه اجاره یک کشتی به چندین میلیون دلار می‌رسد.

شرایط نیروی انسانی نیز گواه همین بحران است. شرکت‌های کشتیرانی برای ترغیب خدمه به کار در این

شرایط مجبور شده‌اند دستمزد ماهانه کاپیتان‌ها را به ۱۰۰ هزار دلار برسانند و برای هر سفر ۵۰ هزار دلار پاداش خطر تعیین کنند. از سوی دیگر، نرخ بیمه خطر جنگی به ۶ تا ۱۰ درصد ارزش کل بدنه کشتی رسیده و هزینه بیمه یک نفتکش غول‌پیکر برای ورود به خلیج فارس تا ۲۰ میلیون دلار آب می‌خورد. وقتی قیمت سوخت کشتی‌ها در بندری مانند فجیره با ۶۷ درصد رشد به ۶۸۶ دلار در هر تن می‌رسد، معنای اقتصادی آن فروپاشی ادعای «باز بودن مسیر» است. آمار تردها این واقعیت را صریحاً تأیید می‌کند. پیش از آغاز جنگ، روزانه حدود ۱۲۵ کشتی از تنگه هرمز عبور می‌کرد اما هفته گذشته این رقم به ۱۳ شناور سقوط کرد. بر اساس داده‌های سازمان بین‌المللی دریانوردی از زمان آغاز درگیری‌ها تاکنون، بیش از ۹۳ کشتی هدف قرار گرفته و ۲۴ دیرانورد کشته شده‌اند. داده‌های موسسه ونگارد نیز ثبت ۱۴ حمله تنها از اواخر شهریور را تأیید می‌کند. در چنین مختصاتی، تأکید کاخ سفید بر باز بودن مسیر، بیشتر شبیه یک شوخی تلخ با بازار جهانی اقتصاد است.

■ **التماس برای گازوئیل**

در اقتصاد انرژی، نفت خام یک روی سکه است و فرآورده‌هایی مانند گازوئیل روی دیگر آن. مردم عادی نفت خام را نمی‌خرند اما زندگی‌شان به گازوئیل وابسته است. کامیون‌های حمل مواد غذایی، تراکتورهای کشاورزی و ماشین‌آلات صنعتی با این سوخت کار می‌کنند. وقتی گازوئیل کمیاب یا گران می‌شود، موج تورم مستقیماً به سفره مردم برخورد می‌کند. آمارها نشان می‌دهد در پی اختلالات در حوزه انرژی در خلیج فارس و روسیه، روزانه حدود ۱،۶ میلیون بشکه از عرضه جهانی گازوئیل کاسته شده است.

تبعات این کمبود در اقتصاد آمریکا به‌شدت خودنمایی می‌کند. در حالی که قیمت نفت خام برنت رشدی ۴۵ درصدی داشته، قیمت گازوئیل در آمریکا نزدیک ۹۴ درصد افزایش یافته است. این شکاف عمیق نشان می‌دهد مشکل تنها در تأمین نفت خام نیست، بلکه پالایشگاه‌ها در تبدیل و توزیع سوخت فلج شده‌اند. حملات پهلادی به پالایشگاه‌های روسیه



و افت ۳۰ درصدی تولید گازوئیل این کشور، پازل بحران را برای غرب تکمیل کرده است. در همین نقطه است که یکی از بزرگ‌ترین تناقض‌های سیاسی واشنگتن رقم می‌خورد. دولت ترامپ که سال‌هاست شمشیر تحریم را علیه درآمدهای انرژی روسیه از رو بسته است، در مواجهه با خفگی بازار داخلی خود و خطر شورش‌های تورمی، ناچار شده در یک عقب‌نشینی آشکار مجوز موقت تحریمی برای واردات گازوئیل از روسیه تا ماه آینده صادر کند. وقتی ابرقدرت مدعی اقتصاد، برای تأمین سوخت کامیون‌هایش به التماس و معافیت تحریمی از رقیب اصلی خود پناه می‌برد، عیار واقعی ادعاهای سیاسی مشخص می‌شود.

■ **زبان برنده اعداد**

محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی به‌درستی این آشفتگی در بازار گازوئیل آمریکا و پناه بردن واشنگتن به مسکو را پیامد مستقیم تنگ‌تر شدن حلقه هرمز دانسته است. این نگاه از منظر راهبردی پیام روشنی دارد که جمهوری اسلامی ایران توانسته با هوشمندی، هزینه ماجراجویی‌های امنیتی دشمن را مستقیماً به اقتصاد داخلی آن پیوند بزند. بازدارندگی تنها در سیلوهای موشکی خلاصه نمی‌شود، بازدارندگی واقعی زمانی شکل می‌گیرد که دشمن بداند هر تصمیم غلط، سیاهیه سنگینی از هزینه‌های ملموس مالی را روی میزش خواهد گذاشت.

مصرف شتاب‌زده ذخایر راهبردی، پرواز هزینه‌های بیمه و اجاره کشتی‌ها و التماس برای خرید سوخت تحریمی، همگی کدهایی است که ماشین حساب دولت‌های غربی را به محاسبه دوباره و تغییر معادله وامی‌دارد. تولید روزانه آمریکا روانه بازار می‌شود و ذخایری که برای روزهای شوک و ایستایی طراحی شده هم استفاده می‌شود. هر چه سطح این ذخایر پایین‌تر بیاید، گام‌های واشنگتن در مواجهه با بحران‌های خاورمیانه محتاط‌تر، لرزان‌تر و کندتر خواهد شد. وقتی هزینه عبور یک کشتی سر به فلک می‌کشد و تردها به یک‌دهم کاهش می‌یابد، بازار به سخنرانی‌های امیدوارکننده سیاستمداران پوزخند می‌زند.

■ **هزینه‌ای با ماندگاری طولانی**

ویژگی ذاتی توفان‌های بزرگ انرژی این است که آثار تخریب‌شان با اولین نسیم آرامش ترمیم نمی‌شود. بر اساس برآوردهای فنی موجود، تعمیر زیرساخت‌های پالایشگاهی آسیب‌دیده بین ۶ تا ۸ ماه زمان می‌برد. حتی اگر همین فردا صلح مطلق در مسیرهای دریایی برقرار شود، پر کردن دوباره غارهای نمکی تگزاس، جلب اعتماد شرکت‌های بیمه و بازگرداندن ناوگان‌های تجاری به مسیر هرمز، نیازمند صرف زمان، سرمایه و اعتمادسازی طولانی‌مدت است.

این واقعیت، فشار مضاعفی را بر کرده واشنگتن وارد می‌کند. افزایش هزینه گازوئیل مساله حساسی در سیاست داخلی است که صدای کشاورزان و رانندگان کامیون را در می‌آورد. دولت ناگزیر است میان ژست‌های هژمونیک در غرب آسیا و جلوگیری از انفجار نارضایتی اقتصادی در داخل، یکی را انتخاب کند. زمان در این نبرد بی‌طرف نیست؛ زمان همواره به ضرر کسی حرکت می‌کند که در حال سوزاندن ذخایر اضطراری خویش است.

اعداد و ارقام بررسی‌شده ثابت می‌کند سیر نفتی آمریکا هنوز کاملاً از بین نرفته اما به‌وضوح در حال ذوب شدن است. این سیر نمی‌تواند برای همیشه در برابر حرارت یک بحران فرسایشی مقاومت کند. برداشت از مخازن استراتژیک شاید بتواند برای چند ماه زمان بخرد اما نمی‌تواند مسیرهای نامن

را برای کشتی‌های تجاری امن کند. در نبرد اراده‌ها و اقتصاد، سرانجام این واقعیت‌های مادی و زبان برنده اعداد است که پیروز میدان را تعیین می‌کند. توان بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران امروز در کاهش تردد کشتی‌ها، جهش حق بیمه‌ها و خالی شدن غارهای نمکی آمریکا تبلور یافته است؛ واقعیتی که نشان می‌دهد پشت لفاظی‌های سیاسی درباره باز بودن تنگه هرمز، اقتصادی ایستاده که با اضطراب، قطره‌های باقیمانده ذخایر استراتژیک خود را می‌شمارد.

021-92 00 00 00
www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رسپینا